

پرخاشگری رابطه‌ای در کودکان پیش دبستانی

سیما شهیم*

چکیده

هدف: از آن‌جا که پرخاشگری رابطه‌ای سبب پیامدهای زیانباری برای خود کودک پرخاشگر و سایر کودکان می‌شود، این پژوهش با هدف بررسی پرخاشگری رابطه‌ای نزد کودکان پیش دبستانی در شهر شیراز انجام شد.

روش: در یک بررسی توصیفی-مقطعی ۲۵۸ کودک ۳ تا ۷ ساله (۱۱۹ پسر و ۱۳۹ دختر) به یک پرسش‌نامه ده ماده‌ای در زمینه پرخاشگری رابطه‌ای برای کودکان پیش دبستانی- فرم آموزگار و پرسش‌نامه پرخاشگری رابطه‌ای و محبوبیت- فرم هم‌سالان پاسخ دادند. این کودکان از چهار مهدکودک معرفی شده توسط سازمان بهزیستی شیراز انتخاب شدند. داده‌ها به کمک تحلیل واریانس، ضریب همبستگی و آزمون تحلیل شدند.

یافته‌ها: اغلب کودکان پیش دبستانی از سه سالگی در روابط با هم‌سالان از پرخاشگری رابطه‌ای استفاده کرده و موجب حذف برخی کودکان از گروه و یا وادار ساختن دیگران به قطع رابطه با آنها شدند. تفاوت دختران و پسران در این زمینه معنی‌دار نبود. هم‌چنین میزان رفتار پرخاشگرانه در رابطه با هم‌سالان در سنین مختلف تغییر معنی‌دار نداشت. بین محبوبیت نزد هم‌سالان و پرخاشگری رابطه‌ای از نظر هم‌سالان و آموزگاران رابطه معنی‌دار دیده شد ($p < 0/001$). بین پرخاشگری رابطه‌ای و اختلال گستاخی مقابله‌ای رابطه مثبت و معنی‌دار وجود داشت ($p < 0/001$).

نتیجه‌گیری: دختران و پسران ایرانی از نظر پرخاشگری رابطه‌ای تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارند. کودکانی که پرخاشگری رابطه‌ای به کار می‌برند نزد هم‌سالان دارای محبوبیت هستند.

کلیدواژه: پرخاشگری رابطه‌ای، کودکان پیش دبستانی، جنسیت

مقدمه

موجب افزایش مهارت‌های اجتماعی و محبوبیت نزد هم‌سالان و بزرگسالان شده و کودک را برای پذیرش مسئولیت‌های تحصیل دبستانی آماده می‌سازد. یکی از شایع‌ترین مشکلات کودکان خردسال که موجب مراجعه به روانشناس می‌گردد، پرخاشگری است. شناخت این مشکل نزد کودکان خردسال و

دوران پیش دبستانی سال‌های مناسبی برای تشخیص مشکلات کودکان، مداخله بهنگام و پیش‌گیری از مشکلات عاطفی، اجتماعی و تحصیلی آینده آنان است. مداخله بهنگام و تغییر رفتارهای ناسازگار کودک در این دوره حساس،

* کارشناس ارشد روانشناسی مدرسه، استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز. شیراز، خیابان ارم، کوی دانشگاه شیراز.

E-mail: sshahim@rose.shirazu.ac.ir

بررسی‌ها نشان‌دهنده طرد اجتماعی فرد پرخاشگر از گروه هم‌سالان هستند (کریک و گرات پیتر، ۱۹۹۵). ریس^{۲۶} و بیر^{۲۷} (۱۹۹۷) بر این باورند که رفتار پرخاشگرانه سبب عدم پذیرش پرخاشگر نزد هم‌سالان می‌شود؛ اما طبیعت پرخاشگری رابطه‌ای موجب می‌شود که دست کم یک نفر در گروه علاقمند به دوستی با فرد پرخاشگر باشد. مطالعات نشان می‌دهند که کودکان پرخاشگر رابطه‌ای، نزد هم‌سالان محبوبیت دارند (زی^{۲۸}، فارمر^{۲۹} و کرنز، ۲۰۰۳؛ روز^{۳۰}، سونسون^{۳۱} و واکر^{۳۲}، ۲۰۰۴). در میان دختران پرخاشگر رابطه‌ای و دختران غیر پرخاشگر در زمینه شمار دوستان نزدیک تفاوت معنی‌دار گزارش نشده است (ریس و بیر، ۱۹۹۷). اندروود^{۳۳}، گالن^{۳۴} و پاکت^{۳۵} (۲۰۰۱) یافته‌های به‌دست‌آمده از نظرسنجی از هم‌سالان را پیچیده ارزیابی می‌کنند. بین نظر هم‌سالان و ارزیابی آموزگاران در زمینه پرخاشگری، همبستگی مثبت و معنی‌دار گزارش شده است (مک‌اوی^{۳۶}، استرن^{۳۷}، رودریگز^{۳۸} و اوسلون^{۳۹}، ۲۰۰۳).

بررسی پرخاشگری رابطه‌ای در میان کودکان پیش‌دبستانی ایرانی از این نظر دارای اهمیت است که تنها در این دوره تحصیلی، دختران و پسران در مهدهای کودک و کلاس‌های آمادگی در یک محیط آموزشی و در کنار یکدیگر هستند. برای شناخت بهتر این مشکل در فرهنگ ایرانی، به‌دلیل نبود ابزار سنجش مناسب، نخستین گام، ساخت پرسش‌نامه سنجش پرخاشگری در کودکان پیش‌دبستانی بود. بنابراین هدف اول این پژوهش دربرگیرنده ساخت آزمون پرخاشگری رابطه‌ای برای کودکان پیش‌دبستانی و بررسی روایی و پایایی آن و هدف دوم بررسی پرخاشگری رابطه‌ای

مداخله بهنگام می‌تواند از ادامه این رفتار پیش‌گیری نماید (گودوین^۱، پیسی^۲، گریس^۳، ۲۰۰۳). بررسی‌ها نشان داده‌اند که کودکان پرخاشگر تمایل به ادامه پرخاشگری در بزرگسالی دارند (کازدن^۴، لد^۵ و برگس^۶، ۱۹۹۹). کریک^۷، کاساس^۸ و مasher^۹ (۱۹۹۷) در یک بررسی طولی پرخاشگری رابطه‌ای^{۱۰} (غیر آشکار) و پرخاشگری آشکار را در طول زمان نسبتاً ثابت و با ناسازگاری اجتماعی آینده کودک در ارتباط دانسته‌اند.

افزون بر پرخاشگری آشکار، پرخاشگری غیرمستقیم (لاگرسپتر^{۱۱}، پژورکوئیست^{۱۲} و پلتون^{۱۳}، ۱۹۸۸)، پرخاشگری اجتماعی (کرنز^{۱۴}، کرنز، نیکرمن^{۱۵}، فرگوسن^{۱۶} و گاریبی^{۱۷}، ۱۹۸۹) و پرخاشگری رابطه‌ای (کریک و گرات پیتر^{۱۸}، ۱۹۹۵) مورد توجه پژوهشگران بوده است. آرچر^{۱۹} (۲۰۰۱) هرسه نوع پرخاشگری را دارای مفهوم مشترک طرد کردن و گوشه‌گیر کردن دیگران و دستکاری روابط اجتماعی می‌داند.

بیشتر کارشناسان پرخاشگری کودکان را به شکل پرخاشگری آشکار- دربردارنده پرخاشگری جسمانی مانند زدن، هل دادن، لگدزدن، پرتاب اشیاء و تهدید به انجام این اعمال همراه با حملات عمدی بیزارکننده و آزاردهنده برای قربانی (کوی^{۲۰} و داج^{۲۱}، ۱۹۹۸)- و پرخاشگری رابطه‌ای که موجب حذف اجتماعی و آزار سایرین می‌گردد تعریف کرده‌اند. در مقایسه با پسران که بیشتر پرخاشگری جسمانی را به کار می‌برند، پرخاشگری دختران بیشتر به‌صورت رابطه‌ای گزارش شده است (کریک و گرات پیتر، ۱۹۹۵). پرخاشگری رابطه‌ای دارای همان الگوی رفتاری پرخاشگری جسمانی است که به‌نوعی آسیب و آزار دیگران از راه روابط می‌انجامد. این نوع پرخاشگری به روابط دوستانه آسیب می‌رساند و کنار گذاشته شدن کودک از گروه هم‌سالان را در پی دارد. کودک پرخاشگر با پخش شایعات و بدگویی یا وادار کردن سایرین به قطع رابطه دوستانه موجب حذف کودک از گروه می‌شود (همان‌جا). قربانی این نوع رفتار دچار مشکلات سازگاری روانی و اجتماعی می‌گردد (کریک و بیگی^{۲۲}، ۱۹۹۸). کریک و همکاران (۱۹۹۷) رفتارهای پرخاشگرانه آشکار و رابطه‌ای را در کودکان مدرسه به شکل دو عامل جداگانه تأیید کرده‌اند. کوپراسمیت^{۲۳}، برایانت^{۲۴} و ویلسون^{۲۵} (۲۰۰۰) نیز دو عامل یاد شده را در کودکان پیش‌دبستانی کم‌درآمد تأیید نموده‌اند.

- | | |
|----------------|---------------------------|
| 1- Goodwin | 2- Pacey |
| 3- Grace | 4- Kozden |
| 5- Ladd | 6- Burgess |
| 7- Crick | 8- Casas |
| 9- Masher | 10- relational aggression |
| 11- Lagerspetz | 12- Bjorkqvist |
| 13- Peltonen | 14- Cairnes |
| 15- Nickerman | 16- Ferguson |
| 17- Garipey | 18- Grotpeter |
| 19- Archer | 20- Coie |
| 21- Dodge | 22- Bigbee |
| 23- Kupersmidt | 24- Bryant |
| 25- Willoughby | 26- Rys |
| 27- Bear | 28- Xie |
| 29- Farmer | 30- Rose |
| 31- Swenson | 32- Walker |
| 33- Underwood | 34- Galen |
| 35- Paquette | 36- McEvoy |
| 37- Estern | 38- Rodrigues |
| 39- Olson | |

نزد دختران و پسران پیش‌دبستانی از نظر آموزگاران و هم‌سالان بود. هدف سوم، بررسی ارتباط میان رتبه‌بندی کودکان از پرخاشگری رابطه‌ای و میزان محبوبیت نزد هم‌سالان پیش‌دبستانی بود.

روش

ابزارهای اندازه‌گیری پرخاشگری برای کودکان پیش‌دبستانی محدود است (کریک، ۱۹۹۷). با بررسی منابع موجود و ابزارهای به کار برده شده در سایر پژوهش‌ها (هالپرین^۱، مک کی^۲ و نیوکورن^۳، ۲۰۰۲؛ کریک و گراتیتر، ۱۹۹۵؛ براون^۴، آتکینز^۵، آیزورن^۶ و میلنامو^۷، ۱۹۹۶؛ کریک، ۱۹۹۶؛ ساکایی^۸ و یامازاکی^۹، ۲۰۰۴) و با توجه به فرهنگ ایرانی، پرسش‌نامه‌ای دارای ۱۰ گویه در زمینه پرخاشگری رابطه‌ای با سه گزینه (به‌ندرت - بعضی اوقات - اغلب اوقات) با عنوان پرسش‌نامه پرخاشگری رابطه‌ای برای کودکان پیش‌دبستانی - فرم آموزگار^{۱۰} فراهم شد. این پرسش‌نامه توسط آموزگار تکمیل می‌شود. فرنج^{۱۱}، جانسون^{۱۲} و پید^{۱۳} (۲۰۰۲) پرخاشگری رابطه‌ای را دربردارنده سه بعد دستکاری روابط میان افراد، پخش شایعات بدخواهانه و طرد دیگران می‌دانند. برای ساخت پرسش‌نامه پرخاشگری رابطه‌ای هر یک از ابعاد یادشده با فرهنگ ایرانی انطباق داده شد و گویه‌های پرسش‌نامه در این سه بعد دسته‌بندی گردید. نمره‌های هر فرد مجموع نمرات تمام گویه‌ها می‌باشد.

پرسش‌نامه دوم، پرسش‌نامه پرخاشگری رابطه‌ای و محبوبیت - فرم هم‌سالان^{۱۴} ویژه نظرسنجی از هم‌سالان بوده و دربردارنده دو بخش و هشت پرسش می‌باشد. پنج پرسش در بخش اول و در زمینه پرخاشگری رابطه‌ای (برای نمونه: کدام یک از بچه‌ها می‌گوید با یکی از بچه‌های کلاس دوست نشوی) و سه پرسش در بخش دوم و در زمینه میزان محبوبیت نزد هم‌سالان (دوست داری کنار کدام یک از بچه‌ها بنشینی، دوست داری با کدام یک از بچه‌ها بازی کنی، دوست داری کدام یک از بچه‌ها را به مهمانی دعوت کنی) است. به‌منظور نظرسنجی از کودکان، نخست از هر کودک به‌طور انفرادی عکس گرفته شد و برای هر کلاس به‌صورت مجموعه در یک پوستر گردآوری گردید و در اختیار کودکان کلاس قرار گرفت. پرسشگری از کودکان به‌صورت انفرادی انجام و به کودک گفته می‌شد برای هر ویژگی یادشده، کودکی را که بیش از سایرین دارای آن ویژگی است نام برده و به

تصویر وی اشاره کند. سپس از وی خواسته می‌شد دو کودک دیگر را برای همان ویژگی نشان داده و نام ببرد. در نمره‌گذاری به کودک اول رتبه یک و به کودکان نام‌برده شده دوم و سوم به ترتیب رتبه دو و سه داده می‌شد. این روش که توسط مک‌کای و همکاران (۲۰۰۳) به کار برده شده، برای این منظور است که کودکان تا حد ممکن سه نفر را در زمینه هر ویژگی نام ببرند. نمره‌های پرسش‌نامه، جمع رتبه‌ای است که هر کودک بر پایه اظهار نظر هم‌سالان به‌دست می‌آورد. پیش از آغاز این بررسی آمادگی‌های لازم در این زمینه به دستیار پژوهش داده شد. همه آزمودنی‌ها در شرایط یکسان، با به کارگیری دستورالعمل ثابت و به‌صورت انفرادی ارزیابی شدند. در صورتی که آزمودنی نیاز به راهنمایی بیشتری داشت، آزماینده دستورات یکسان برای این منظور به کار می‌برد.

آزمودنی‌ها از میان کودکان مهدهای کودک و کلاس‌های آمادگی دو منطقه متمایز اقتصادی - اجتماعی در شهر شیراز انتخاب شدند. برای این منظور چهار مهد کودک توسط سازمان بهزیستی شیراز معرفی شدند و مریان، ۲۵۸ کودک (۱۱۹ پسر و ۱۳۹ دختر) سه تا هفت ساله را ارزیابی نمودند. برای انتخاب نمونه بر پایه بررسی‌های انجام‌شده در زمینه تحلیل عوامل که در آن شمار نمونه تابع شمار پرسش‌های پرسش‌نامه است (کلاسن^{۱۵}، ۱۹۹۴)، شمار آزمودنی‌های پژوهش تعیین گردید. در این روش پنج تا ده برابر شمار پرسش‌های پرسش‌نامه تعداد نمونه مطلوب به‌شمار می‌رود. مریان که از یک تا ۱۸ سال سابقه کار داشتند، پرسش‌نامه‌ها را در اردیبهشت‌ماه و پس از آشنایی کافی با کودک تکمیل نمودند. به‌منظور نظرسنجی از هم‌سالان، ۵۹ کودک (۳۲ دختر و ۲۷ پسر) شش ساله مشغول به تحصیل در کلاس‌های آمادگی به‌طور انفرادی ارزیابی شدند.

از آموزگاران خواسته شد پرسش‌نامه پرخاشگری رابطه‌ای را برای هر یک از کودکان کلاس تکمیل کنند. سپس نظرسنجی از هر کودک دوره آمادگی به‌صورت انفرادی

- | | |
|---|------------|
| 1- Halperin | 2- McKay |
| 3- Newcorn | 4- Brown |
| 5- Atkins | 6- Osborne |
| 7- Milnamow | 8- Sakai |
| 9- Yamasaki | |
| 10- Relational Aggression Questionnaire for Preschool Children-Teacher Form | |
| 11- French | 12- Janson |
| 13- Pida | |
| 14- Relational Aggression and Popularity- (Pears Form) | |
| 15- Kline | |

جدول ۱- تحلیل عوامل پرسش‌نامه پرخاشگری رابطه‌ای برای کودکان پیش‌دبستانی- فرم آموزگاران

وزن	گویه‌ها
عاملی	
۰/۷۴	به کودکان می‌گوید با یکی از بچه‌ها دوست نباشند.
۰/۶۲	قهر می‌کند.
۰/۷۷	تهدید می‌کند که کودکی را دوست نخواهد داشت.
۰/۷۷	کودکی را از بازی‌های دسته جمعی بیرون می‌کند.
۰/۷۲	شایعه‌سازی و غیبت (بدگویی) می‌کند.
۰/۸۱	سایرین را وادار می‌کند که با کودکی بازی نکنند.
۰/۸۰	سایرین را ترغیب می‌کند که کودکی را دوست نداشته باشند.
۰/۷۰	با دروغ‌گویی سایرین را وادار می‌کند که کودکی را دوست نداشته باشند.
۰/۸۳	تهدید می‌کند که با بچه‌ها دوست نمی‌شود.
۰/۷۸	تهدید می‌کند که کودکی را به مهمانی و یا فعالیت دسته‌جمعی دعوت نخواهد کرد.

برای بررسی گسترده‌تر پرخاشگری رابطه‌ای، ارتباط میان اختلال گستاخی مقابله‌ای^۵ و پرخاشگری رابطه‌ای در یک گروه از کودکان (۲۹ دختر و ۳۰ پسر پنج ساله) بررسی گردید. بدین منظور گویه‌های مربوط به این اختلال در پرسش‌نامه رفتارهای مخرب کودکان و نوجوانان-مقیاس معلم (برنز^۶ و والش^۷، ۲۰۰۲) که هم‌سو با نشانه‌های اختلال گستاخی مقابله‌ای بر اساس DSM-IV^۸ (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۱۹۹۴) بود، به کار برده شد. آموزگاران این پرسش‌نامه را نیز برای همه کودکان کلاس‌های آمادگی تکمیل کردند. ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه ۰/۷۷، پایایی به روش نیمه‌سازی ۰/۷۲ و ضریب همبستگی بین پرسش‌ها و نمره کل از ۰/۵۳ تا ۰/۶۵ در نوسان بود. همبستگی میان پرخاشگری و اختلال گستاخی مقابله‌ای ۰/۵۸ بود. این یافته نیز می‌تواند در راستای روایی مقیاس تلقی شود، زیرا پرخاشگری رابطه‌ای تابع همان الگوی پرخاشگری آشکار است که مرتبط با مشکلات رفتاری مانند لجبازی، نافرمانی و ضدیت و مخالفت و رفتارهای پروتزا است.

توسط دستیار پژوهش که قبلاً آموزش‌های لازم را دیده بود به عمل آمد. رتبه کسب‌شده در پرسش‌نامه نظرسنجی از هم‌سالان برای هر یک از کودکان محاسبه شد، جمع رتبه‌های داده‌شده به هر کودک نمره کل این پرسش‌نامه بود. این ارقام در هر کلاس به نمره Z تبدیل شد تا اندازه کلاس‌ها کنترل شود. رابطه بین نمرات نظر آموزگاران و رتبه‌بندی هم‌سالان در زمینه میزان پرخاشگری رابطه‌ای از طریق ضریب همبستگی پیرسون محاسبه گردید (۰/۱۸). به منظور بررسی رابطه بین گزینش هم‌سالان و میزان محبوبیت، همبستگی بین نمرات دو بخش پرسش‌نامه نظرسنجی هم‌سالان و رگرسیون به کار برده شد. تفاوت میانگین نمرات دختران و پسران در نظرسنجی هم‌سالان و نظر مربیان در مورد پرخاشگری رابطه‌ای، به کمک تحلیل واریانس یک طرفه بررسی گردید. روایی هر دو پرسش‌نامه به کمک تحلیل عوامل و برای پرسش‌نامه ویژه آموزگار به روش همبستگی با پرسش‌نامه اختلال لجبازی و نافرمانی تعیین شد. برای بررسی پایایی هر دو پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. هم‌چنین آزمون آماری t برای مقایسه نمره کل پرسش‌نامه‌های دختران و پسران به کار برده شد.

یافته‌ها

ماتریس همبستگی مواد پرسش‌نامه پرخاشگری رابطه‌ای مورد تحلیل عوامل با محور اصلی^۱ قرار گرفت که منجر به استخراج یک عامل با مقدار آیکن^۲ ۰/۶۱ گردید. این مقدار ۰/۶۱ درصد واریانس را تبیین می‌نماید و همان پرخاشگری رابطه‌ای است. ضریب KMO^۳ ۰/۹۲ و آزمون بارتلت^۴ برای کرویت داده‌ها معنی‌دار بود. وزن هر یک از گویه‌ها بر روی این عامل از ۰/۶۲ تا ۰/۸۳ متغیر بود (جدول ۱). ضرایب همبستگی بین گویه‌ها و نمره کل پرسش‌نامه از ۰/۶۷ برای گویه دوم تا ۰/۸۴ برای گویه نهم در نوسان بود (جدول ۲). ضرایب همبستگی بین گویه‌ها از ۰/۳۳ تا ۰/۷۵ در تغییر بود. ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسش‌نامه ۰/۷۸ به دست آمد.

تحلیل عوامل با محور اصلی برای پرسش‌نامه پرخاشگری رابطه‌ای و محبوبیت- فرم هم‌سالان، استخراج دو عامل را در پی داشت که ۵۱/۶٪ واریانس را تبیین می‌کرد و در بردارنده عامل اول محبوبیت نزد هم‌سالان با مقدار آیکن ۰/۳۰ و عامل دوم پرخاشگری رابطه‌ای با مقدار آیکن ۱/۸۳ بود. وزن عاملی پرسش‌ها برای عامل اول از ۰/۸۱ تا ۰/۸۶ و برای عامل دوم از ۰/۵۷ تا ۰/۷۴ متغیر است. ضریب آلفای کرونباخ برای عامل اول ۰/۷۶ و برای عامل دوم ۰/۶۷ است.

1- principal axis factoring 2- eigen value
3- Kaiser Mayer Olkin 4- Bartlett
5- oppositional defiant disorder
6- Burns 7- Walsh
8- Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (4th ed.)

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین گویه‌ها و نمره کل پرسش‌نامه پرخاشگری رابطه‌ای برای کودکان پیش‌دستانی- فرم آموزگار

گویه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
نمره کل	۰/۷۸	۰/۶۷	۰/۸۰	۰/۸۰	۰/۷۵	۰/۸۲	۰/۸۲	۰/۷۳	۰/۸۴	۰/۸۱

رگرسیون چندمتغیره به کار برده شد. در این بررسی متغیرهای جنسیت و رتبه‌بندی پرخاشگری هم‌سالان و میزان پرخاشگری رابطه‌ای از نظر آموزگار متغیر مستقل، و میزان محبوبیت به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. متغیرهای مستقل در ترکیب با یکدیگر دارای اثر پیش‌بینی کننده معنی‌دار بودند و رتبه‌بندی هم‌سالان دارای وزن معنی‌دار در معادله رگرسیون بود ($R^2=0/94, p<0/01$)، اما جنسیت و نظر مریبان در زمینه میزان پرخاشگری دارای اثر معنی‌دار نبود.

نمرات پرسش‌نامه پرخاشگری رابطه‌ای فرم آموزگار از ۴ تا ۳۰ در نوسان بوده، میانگین کل گروه ۱۷ (انحراف ۵/۷) بود و ۲۵٪ آزمودنی‌ها دارای نمره بیشتر از ۲۱ در این پرسش‌نامه بودند. شایعه‌سازی و بدگویی نزد کودکان پیش‌دستانی کمتر از روابط پرخاشگرانه دیگر به کار گرفته می‌شود؛ اما قهر کردن، تهدید به قطع دوستی، اخراج کودک از بازی‌های دسته‌جمعی و حذف از گروه، بیشترین فراوانی را داشته است. هم‌چنین چهار گویه دارای بیشترین فراوانی بوده و در بیشتر از ۶۰٪ موارد گزارش شده‌اند. این گویه‌ها عبارتند از: تهدید به قهر کردن، بیرون‌راندن کودکی که او را عصبانی کند از بازی، تهدید کودکی که او را عصبانی کند به این که به مهمانی یا فعالیت دسته‌جمعی دعوت نخواهد شد، و تهدید کودکی که مطابق میل او رفتار نکند به این که دوستش نخواهد داشت.

بحث

این بررسی نشان داد که پرسش‌نامه‌های فراهم آمده دارای روایی و پایایی کافی هستند؛ از این رو نخستین هدف پژوهش تأمین شد. تهیه ابزاری مطمئن در راستای شناخت ابعاد گوناگون پرخاشگری، به متخصصان در راستای شناخت بهتر، پیش‌گیری و مداخله زود هنگام پرخاشگری رابطه‌ای کمک می‌کند (کریک و همکاران، ۱۹۹۷؛ کریک و گراتیتر، ۱۹۹۵).

هدف دوم پژوهش بررسی پرخاشگری در سنین مختلف و در میان دختران و پسران بود. به نظر می‌رسد کودکان ایرانی از حدود سه سالگی، پرخاشگری رابطه‌ای را در ارتباط با سایر کودکان به کار می‌برند. این یافته با یافته‌های کریک، کاساس

تفاوت میانگین نمرات دختران ۱۷/۵ (انحراف معیار ۵/۸) و پسران ۱۶/۵ (انحراف معیار ۵/۷) در نمره کل پرسش‌نامه اول و نیز در هر یک از گویه‌های آن به کمک آزمون t مستقل معنی‌دار نبود. به جز در پرسش دوم که دختران بیشتر از پسران واکنش قهر کردن را به کار می‌بردند و این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار بود ($t=3/14, p<0/01$). تفاوت میانگین گروه‌های کوچک‌تر و بزرگ‌تر از شش سال معنی‌دار نبود. تفاوت میانگین گروه‌های سنی سه تا شش سال نیز به کمک تحلیل واریانس یک‌طرفه معنی‌دار نبود. از این رو می‌توان گفت که میانگین پرخاشگری رابطه‌ای در میان دختران و پسران و گروه‌های سنی متفاوت، در دوره پیش‌دستانی تفاوت معنی‌دار ندارد. میانگین نمرات پرخاشگری رابطه‌ای کودکان در دو منطقه متفاوت اقتصادی- اجتماعی شهر شیراز به کمک آزمون t مستقل تفاوت معنی‌دار نداشت. این یافته نشان می‌دهد که پرخاشگری رابطه‌ای دست کم در این نمونه مرتبط با وضعیت اقتصادی- اجتماعی نمی‌باشد. تحلیل واریانس تفاوت میان رتبه‌بندی هم‌سالان از پرخاشگری رابطه‌ای را نیز نزد دختران و پسران معنی‌دار نشان نداد.

بر پایه نظر هم‌سالان، کودکان به دو گروه محبوب (دارای نمرات بالاتر از میانگین در عامل محبوبیت در پرسش‌نامه دوم: ۲۵ نفر، ۱۲ پسر و ۱۳ دختر) و غیر محبوب (دارای نمرات زیر میانگین در عامل محبوبیت: ۲۵ نفر، ۱۱ پسر و ۱۴ دختر) تقسیم شدند. آزمون t دو تفاوت فراوانی دختران و پسران غیر محبوب و محبوب را معنی‌دار نشان نداد.

ضرایب همبستگی میان نظر آموزگاران و رتبه‌بندی هم‌سالان در زمینه میزان پرخاشگری رابطه‌ای ۰/۱۸ به دست آمد. اما ضریب همبستگی میان نظرات آموزگاران و میزان محبوبیت نزد هم‌سالان ۰/۷۷ بود ($p<0/01$). این یافته گویای این حقیقت است که کودکانی که از نظر آموزگار پرخاشگر بوده‌اند، نزد هم‌سالان خردسال محبوبیت داشته‌اند. برای بررسی بیشتر قدرت پیش‌بینی متغیرهای جنسیت و رتبه‌بندی هم‌سالان و میزان پرخاشگری رابطه‌ای از نظر مریبان در پیش‌بینی میزان محبوبیت نزد هم‌سالان، روش آماری

هدف سوم این پژوهش، بررسی ارتباط میان پرخاشگری رابطه‌ای و میزان محبوبیت نزد هم‌سالان بود. یافته‌ها نشان دادند که بین میزان محبوبیت نزد هم‌سالان و میزان پرخاشگری رابطه‌ای از نظر هم‌سالان و آموزگاران رابطه وجود دارد. کودکانی که پرخاشگری رابطه‌ای را به کار می‌برند نزد هم‌سالان محبوب‌ترند (زی و همکاران، ۲۰۰۳؛ روز و همکاران، ۲۰۰۴).

این پژوهش نشان داد که پرخاشگری با سایر مشکلات رفتاری ارتباط دارد. بین پرخاشگری رابطه‌ای و رفتارهای ناسازگار در کودکان دبستانی (کریک و گراتیتر، ۱۹۹۵) و کودکان پیش‌دبستانی (کریک و همکاران، ۱۹۹۷) ارتباطی همانند رابطه میان پرخاشگری آشکار و رفتارهای ناسازگار گزارش شده است. یکی از انواع رفتارهای ناسازگار در دوران کودکی، رفتارهای همراه با گستاخی مقابله‌ای است که در DSM-IV (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۱۹۹۴) دربرگیرنده رفتارهای کینه‌ورزی همراه با منفی‌گرایی، نافرمانی و مخالفت تعریف شده که دست کم به مدت شش ماه ادامه داشته باشد، اما حقوق دیگران نادیده گرفته نشده باشد. این اختلال بیشتر در پسران دیده می‌شود. کودک لجبازی، مقاومت و منفی‌گرایی نشان داده، حاضر به کوتاه‌آمدن و کنارآمدن با دیگران نیست. کودک پیوسته و به عمد، فرمان‌ها و راهنمایی‌ها را نادیده گرفته، بحث و بگو مگو نموده، انتقاد را نپذیرفته، با بزرگسالان و هم‌سالان رفتار پرخاشگرانه داشته، موجب رنجش و آزار دیگران می‌شود. علل بسیاری سبب بروز این اختلال می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین پرخاشگری رابطه‌ای و لجبازی و نافرمانی (گستاخی با بزرگسالان، آزدردن دیگران و کینه‌ورزی) رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد و هم‌سو با یافته‌های سایر پژوهش‌ها است (رید، کاسات^۸، نورتون^۹، آناستوپولوس^{۱۰} و تمپل^{۱۱}، ۲۰۰۱). به بیان دیگر، کودکانی که دارای پرخاشگری رابطه‌ای هستند، همان‌الگوی کلاسیک پرخاشگری آشکار را که همراه با رفتارهای برونزا است نشان می‌دهند. از این رو با توجه به محبوبیت کودکان پرخاشگر نزد هم‌سالان، کنترل رفتارهای پرخاشگرانه رابطه‌ای در کودکان دارای اهمیت است.

و ماسر (۱۹۹۷) در زمینه شروع زود هنگام این نوع پرخاشگری در میان کودکان، هم‌سو است. توجه به این امر برای برنامه‌ریزی مداخله‌های تربیتی و رفتاری برای تسهیل آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودک ضروری است. هم‌چنین میزان رفتار پرخاشگرانه در این بررسی در رابطه با هم‌سالان در سنین مختلف افزایش یا کاهش معنی‌دار نداشته است. این یافته نیز با یافته‌های کریک و همکاران (۱۹۹۷) هم‌سو است. کودکان خردسال خیلی زود پرخاشگری رابطه‌ای را با هم‌سالان آغاز نموده، تا پایان دوره پیش‌دبستانی ادامه می‌دهند. مریان مهدکودک در این زمینه تفاوتی بین دختران و پسران گزارش نکرده‌اند، اما دختران بیشتر از پسران قهر می‌کنند. در این بررسی در گروه پرخاشگر که مریان آنان را به‌عنوان پرخاشگر معرفی کردند، تفاوت دختران و پسران معنی‌دار نبود. میانگین پرخاشگری رابطه‌ای در دختران و پسران بر پایه رتبه‌بندی هم‌سالان تفاوت معنی‌دار نداشت و تفاوت فراوانی دختران و پسران محبوب نیز در این زمینه معنی‌دار نبود. این ارتباط نیز نیاز به بررسی بیشتر دارد. بررسی تفاوت دختران و پسران در زمینه پرخاشگری رابطه‌ای در فرهنگ‌های گوناگون یافته‌های متفاوتی داشته است. هارت^۱ و همکاران (۱۹۹۹) در یک بررسی بر روی کودکان پیش‌دبستانی روسی و چینی تفاوت معنی‌دار بین دو گروه گزارش نکردند. نویسندگان، این یافته را با ماهیت زندگی اشتراکی در روسیه در ارتباط دانسته‌اند. اما تامادا^۲ و اشنايدر^۳ (۱۹۹۷) پسران جنوب ایتالیا را دارای پرخاشگری رابطه‌ای بیشتر از دختران گزارش کردند. گزارش کریک و همکاران (۱۹۹۷) و مک‌اوی و همکاران (۲۰۰۳) گویای آن بود که کودکان پیش‌دبستانی دختر در آمریکا دارای پرخاشگری رابطه‌ای بیشتر از پسران هستند. هم‌چنین اوسترمان^۴ و همکاران (۱۹۹۸) دختران و پسران چند فرهنگ گوناگون از جمله فنلاندی، ایتالیایی، لهستانی و اسرائیلی را مقایسه و دختران را دارای پرخاشگری رابطه‌ای بیشتر از پسران گزارش کردند. اما در اندونزی بین دو گروه دختر و پسر، تفاوت معنی‌دار در زمینه پرخاشگری رابطه‌ای یافت نشد (فرنج و همکاران، ۲۰۰۲) و در استونی پسران دارای پرخاشگری غیرمستقیم بیشتر از دختران بودند (پیتز^۵ و کیکاس^۶، ۲۰۰۶). گرچه این پژوهش‌ها تنها با کودکان پیش‌دبستانی انجام نشده است، اما به نظر می‌رسد تفاوت موجود میان یافته‌های پژوهشی در فرهنگ‌های گوناگون دارای عللی به‌جز تفاوت در روش پژوهش باشد.

- | | |
|--------------|------------------|
| 1- Hart | 2- Tomada |
| 3- Schneider | 4- Osterman |
| 5- Peets | 6- Kikas |
| 7- Reid | 8- Casat |
| 9- Norton | 10- Anastopoulos |
| 11- Temple | |

Crick, N. R., & Grotpeter, J. K. (1995). Relational aggression, gender, and social-psychological adjustment. *Child Development, 66*, 710-722.

French, D. C., Janson, E. A., & Pida, S. (2002). United States and Indonesian children's and adolescent's reports of relational aggression by disliked peers. *Child Development, 73*, 1143-1150.

Goodwin, T., Pacey, K., & Grace, M. (2003). Children: Violence prevention in preschool settings. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing, 16*, 52-59.

Hart, C. H., Yong, C., Nelson, D. A., Robinson, C. C., Jin, S., Win, P., Olson, S. F., & Newell, L. D. (1999). Subtypes of aggression in Chinese, Russian, and U. S. Preschoolers: Gender and peer status linkage. In J. Kupersmidt (Ed.), *Social relationships and forms of aggression: Gender considerations*. Symposium conducted at the biennial meeting of the Society for Research in Child Development. Albuquerque, MN.

Halperin, J. M., McKay, K. E., & Newcorn, J. H. (2002). Development, reliability and validity of the Children's Aggression Scale-Parent Version. *Journal of American Academy of Child and Adolescent Psychiatry, 41*, 245-253.

Henington, C., Hughes, J. N., Cavell, T. A., & Thompson, B. (1998). The role of relational aggression in identifying aggressive boys and girls. *Journal of School Psychology, 36*, 457-477.

Kline, P. (1994). *An easy guide to factor analysis*. New York: Routledge.

Kozden, A. (1997). Conduct disorder across the life span. In S. Luthar, J. Burack, D. Cicchetti (Eds.), *Developmental psychology: Perspectives on adjustment, risk, and disorder* (pp. 248-272). Cambridge, UK: Cambridge University Press.

Kupersmidt, J. B., Bryant, D., & Willoughby, M. (2000). Prevalence of aggressive behavior among preschoolers in Head start and community child care programs. *Behavioral Disorders, 26*, 42-53.

Ladd, G., & Burgess, K. (1999). Charting the relationship trajectories of aggressive/non withdrawn, and aggressive/withdrawn children during early grade school. *Child Development, 70*, 910-929.

محدودیت این پژوهش، شمار کم نمونه‌های مورد بررسی در نظرسنجی کودکان هم‌سال بود. این پژوهش محدود به نظر مریمان و کودکان در زمینه پرخاشگری رابطه‌ای کودکان بود. روشن است که نظر پدر و مادر در این زمینه می‌تواند تکمیل‌کننده نظر مریمان باشد.

دریافت مقاله: ۱۳۸۵/۴/۱۴؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۵/۷/۱۷؛

پذیرش مقاله: ۱۳۸۵/۸/۲۴

منابع

American Psychiatric Association (1994). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (4th ed.)*. Washington, DC: APA.

Archer, J. (2001). A strategic approach to aggression. *Social Development, 10*, 267-271.

Brown, K., Atkins, M., Osborne, M., & Milnamow, M. (1996). A revised teacher rating scale for reactive and proactive aggression. *Journal of Abnormal Child Psychology, 24*, 473-480.

Burns, G. L., & Walsh, J. A. (2002). The influence of ADHD-hyperactivity/impulsivity symptoms on the development of oppositional defiant disorder symptoms in a 2-year longitudinal study. *Journal of Abnormal Child Psychology, 30*, 245-267.

Cairnes, R. B., Cairnes, B. D., Nickerman, H. J., Ferguson, L., & Gariepy, J. (1989). Growth and aggression: Childhood to early adolescence. *Developmental Psychology, 25*, 320-330.

Coie, J. D., & Dodge, K. A. (1998). Aggression and antisocial behavior. In W. Daman & N. Eisenberg (Eds.), *Handbook of child psychology* (5th. ed.) (pp.779-861). New York: Wiley.

Crick, N. R. (1996). The role of overt aggression, relational aggression and prosocial behavior in the prediction of children's future school adjustment. *Child Development, 67*, 2317-2327.

Crick, N. R., & Bigbee, M. A. (1998). Relational and overt forms of peer victimization: A multiformant approach. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 66*, 337-347.

Crick, N. R., Casas, J. F., & Masher, M. (1997). Relational and overt aggression in preschool. *Developmental Psychology, 33*, 579-588.

- Lagerspetz, K. M. J., Bjorkqvist, K., & Peltonen, T. (1988). Is indirect aggression typical of female differences in 11-12-year old children. *Aggressive Behavior*, 4, 403-414.
- McEvoy, M. A., Estern, T. L., Rodriguez, M. C., & Olson, M. L. (2003). Assessing relational and physical aggression among preschool children: Intermethod agreement. *Topics in Early Childhood Special Education*, 23, 53-65.
- Osterman, K., Bjorkqvist, K. M. J., Kaukiainen, K., Landau, S. F., Fraczek, A., & Caparu, G. V. (1998). Cross cultural evidence of female indirect aggression. *Aggressive Behavior*, 24, 1-8.
- Peets, K., & Kikas, E. (2006). Aggressive strategies and victimization during adolescence: Grade and gender differences and cross informant agreement. *Aggressive Behavior*, 32, 48-70.
- Reid, R., Casat, C. D., Norton, H. J., Anastopoulos, A. D., & Temple, E. P. (2001). Using behavior rating scales for ADHD across ethnic groups: The Iowa Connors. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, 9, 201-218.
- Rose, A. J., Swenson, L. P., & Walker, E. M. (2004). Overt and relational aggression and perceived popularity: Developmental differences in concurrent and prospective relations. *Developmental Psychology*, 40, 378-387.
- Rys, G. S., & Bear, G. G. (1997). Relational aggression and peer relations, gender and developmental issues. *Merrill-Palmer Quarterly*, 43, 87-106.
- Sakai, A., & Yamasaki, K. (2004). Development of the proactive and reactive aggression questionnaire for elementary school children. *Japanese Journal of Psychology*, 75, 254-261.
- Tomada, G., & Schneider, B. H. (1997). Relational aggression, gender, and peer acceptance: Invariance across culture, stability over time, and concordance among informants. *Developmental Psychology*, 33, 601-609.
- Underwood, M. K., Galen, B. R., & Paquette, J. A. (2001). Top ten challenges for understanding gender and aggression in children: Why can't we just all get along? *Social Development*, 10, 248-266.
- Xie, H., Farmer, T. W., & Cairns, D. C. (2003). Different forms of aggression among inner-city African-American children: Gender, configuration, and school social networks. *Journal of School Psychology*, 41, 355-375.